

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

منبر مکتوب

استاد رفیعی

مردم داری امام حسن مجتبی سلام الله علیه



تهیه در کانال فیش منبر و مرثیه در ایتا



<https://eita.com/fishemenbar>

<http://www.talabeyar.ir> = عرضه در سایت طلبه یار

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا وَحَبِيبِ قُلُوبِنَا

أَبِ الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ (صلوات) وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمَعْصومِينَ سَيِّمًا بَقِيَّةَ اللَّهِ

فِي الْأَرْضِينَ وَلَعْنِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَعْدَاءَ اللَّهِ أَجْمَعِينَ».

قال الله تبارك و تعالی: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ

وَدًّا» (مریم: ۹۶)

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) وقتی نگاهشون به چهره امام مجتبی

(علیه سلام) افتاد فرمودند: «هذا ابني تُفَاحَتِي ثمره فوادی مهجه قلبی و قره

عینی»؛ (بحار الانوار) این فرزند نور چشم من است فرزند من است این فرزند

ثمره قلب من است، «من آذاه هذا فقد آذانی»؛ کسی که این فرزند منو بیازارد

مرا آزارده است.

دانشمندان اهل سنت هم نوشتند، شیعیان هم نوشتند، متعدد کلمات و مطالبی

که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) درباره امام حسن (علیه سلام)

فرمودند: و خصوصیات اخلاقی این بزرگوار رو و اثل بن عطا می نویسد: «عَلَيْهِ

سِيْمَاءُ الْأَنْبِيَاءِ وَ بَهَاءُ الْمُلُوكِ»؛ (مناقب، ج ۴، ص ۹) چهره چهره انبیا و پیامبران

بود ابهت و عظمت عظمت پادشاهان و ملوک «عَلَيْهِ بَهَاءُ الْمُلُوكِ وَ سِيْمَاءُ الْأَنْبِيَاءِ»؛

(مناقب، ج ۴، ص ۹) اباهریره که از شخصیت های اهل سنت از کسانی است که به هر حال از او نقل کردند تو منابع اهل سنت با اینکه میانه خوبی با اون حضرت نداشت با امیرالمؤمنین (علیه السلام) نداشت اما می گفت من هر وقت حسن بن علی (علیهما السلام) رو تو کوچه های مدینه می بینم یادم نمیره که در آغوش پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بود که من برداشتم اینه حالا نمیخوام این بحث مطرح کنم پیامبر می خواست حرمت جایگاه عظمت اینها را به مردم و به اصحاب نشان بده می دید چه برخوردی بعداً با اینها خواهد شد جای حرف باقی نگذاره، لذا مقابل اصحاب گاهی مثلاً یک مسیر طولانی یکی رو رو این شانه سوار می کرد یکی رو رو اون شانه، هر کس می آمد یا رسول الله بذارید ما بگیریم بچه ها رو می فرمود نه اینا خوب راکبانی هستند بذارید خودم آنها را حمل کنم به اشکال مختلف با بوسیدن، با بوئیدن، با کلام، با در آغوش گرفتن، می خواست بفهمونه به اصحاب که اینها رو تکریم کنند تجلیل کنند باعث آزار و اذیت اینها رو فراهم نکنند.

### مردم داری امام حسن علیه السلام

خب من یه بحث رو امروز از زندگی امام حسن (علیه السلام) میخوام خدمت شما تقدیم کنم و یه نکاتی پیرامونش عرض کنم و به هر حال همین کافیه چون بیشتر از این ما نمی رسیم به بحث پردازیم و اون بحث مردم داری امام حسن مجتبی (علیه السلام) هست.

بینید ماها گاهی عبادت رو فقط در مسائل فردی می بینیم نماز، روزه، دعا، ذکر، حج، در صورتی که حجم روایاتی که مردم داری، مردم داری که میگم نه فقط کمک مالی به مردم، نه حفظ آبروی مردم، حفظ شخصیت مردم، عرض می کنم که کمک فکری به مردم، حفظ شخصیت جوان ها، بار از دوش مردم برداشتن، رفع اختلاف بین مردم، آشتی دادن بین زن و شوهرها، پدر و پسرها، همسایه ها، مجموعه اون عواملی که باعث میشه مردم مردم که میگم به معنای عامش تو جامعه استفاده کنند از انسان، مجموعه روایاتی که ثواب اینارو نوشته نوشته به قول یکی از عزیزان می فرمود یه جلد دومی میشه برای مفاتیح الجنان که اگر این جمع آوری بشه می بیند ثواب اینها به حدی است که مثلاً عرض می کنم خود امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرماید: دو نفر شما صلح بدید یه خورده با این حرف بزید یه خورده با این این دو تا با هم صلح کنند.

يَقُولُ صَلَاحُ ذَاتِ الْبَيْنِ اَفْضَلُ مِنْ عَامَّةِ الصَّلَاةِ وَ الصِّيَامِ  
 وَاللّٰهُ فِي الْاٰيَاتِمِ فَلَا تُغْبَوْا اَفْوَاهَهُمْ وَ لَا يَضِيعُوا بِحَضْرَتِكُمْ  
 وَ اللّٰهُ فِي جِيرانِكُمْ فَاِنَّهُمْ وَصِيَّةُ نَبِيِّكُمْ مَا زَالَ يُوصِي بِهِمْ حَتّٰى ظَنَنَّا اَنَّهُ  
 سَيُورَثُهُمْ .

وَ اللّٰهُ فِي الْقُرْآنِ لَا يَسْبِقُكُمْ بِالْعَمَلِ بِهِ غَيْرُكُمْ .  
 وَ اللّٰهُ فِي الصَّلَاةِ فَاِنَّهَا عَمُودُ دِينِكُمْ .

وَ اللّٰهُ فِي بَيْتِ رَبِّكُمْ لَا تُخْلَوْهُ مَا بَقِيتُمْ فَاِنَّهُ اِنْ تُرِكَ لَمْ تُنَاطَرُوا .

وَاللَّهُ اللَّهُ فِي الْجِهَادِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَ أَسْنَتِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ .  
وَعَلَيْكُمْ بِالتَّوَّاصِلِ وَ التَّبَادُلِ وَ إِيَّاكُمْ وَ التَّدَابُرِ وَ التَّقَاطُعِ .

لَا تَتْرُكُوا الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَيُؤَلَّى عَلَيْكُمْ شِرَارُكُمْ ثُمَّ تَدْعُونَ فَلَا يُسْتَجَابُ لَكُمْ .

ثُمَّ قَالَ : يَا بَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ لَا أُلْفَيْنَكُمْ تَخَوْضُونَ دِمَاءَ الْمُسْلِمِينَ خَوْضًا تَقُولُونَ  
قَتَلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ أَلَا لَا تَقْتُلَنَّ بِي إِلَّا قَاتِلِي أَنْظِرُوا إِذَا أَنَا مِتُّ مِنْ ضَرْبَتِهِ هَذِهِ  
فَاضْرِبُوهُ ضَرْبَةً بِضَرْبِهِ وَ لَا تُمَثِّلُوا بِالرَّجُلِ فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ( صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ  
وَآلِهِ ) يَقُولُ إِيَّاكُمْ وَ الْمِثْلَةَ وَ لَوْ بِالْكَلْبِ الْعَقُورِ . (نهج البلاغه صبحی صالح،

ص ۴۲۲)

### بالاترین شفاعت

این از یکسال نماز و روزه بالاتر است. یک لبخند تو چهره مردم بزیند میگذرد  
صدقه است تبسم در چهره مردم صدقه است، یک عرض می کنم که آب رسانی  
برای مردم، آبرو گذاشتن برای مردم، روایاتی که داریم حالا، باعث ازدواج  
شدن، **أفضل الشفاعة أن تشفع بين اثنين في النكاح**؛ (وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص  
۴۵) بالاترین شفاعت ها که شفاعت قیامت شامل آدم می کنه اینکه به واسطه  
ازدواج دو نفر بشی، چیزهایی که تقریباً به مقداری تو مردم کمرنگ شده، کم  
هم نوشته شده کم هم کتاب درباره اش است علما و بزرگان ما کتاب های دعا  
زیاد نوشتن صدها کتاب دعا سید بن طاووس، شیخ طوسی، متأخرین، متقدمین،

اما کتابی که در این رابطه باشد ثواب خدمت رسانی، ثواب باعث ازدواج شدن، آب رسانی، صلح دادن، اختلاف رفع کردن اینها، من یه حدیثی اول از امام حسن مجتبی (علیه السلام) براتون بخوانم عنایت بفرمائید این حدیث خیلی زیباست می دونید ما همه دلمون میخواد روز قیامت آرامش داشته باشیم مخصوصاً با انبیا آدم بتونه محشور بشه چقد عالیه آدم روز قیامت با ابراهیم پیامبر با عیسی بن مریم (علیهما السلام) در رأس آنها با رسول گرامی اسلام با امیرالمؤمنین (علیه السلام) با شهدا، با صالحین، با سلمان و اباذر یعنی تو یک جرگه آدم وارد بشه تو یک گروهی که اینها هستند خب دیگه ما را هم قاطی خودشون می برند بهشت دیگه اگه آدم تو این جرگه تونست وارد بشه، امام مجتبی (علیه السلام)

فرمود: **(مَنْ وَاسَا أَخَاهُ بِمَالٍ أَوْ جَاهٍ أَوْ كَلِمَةٍ طَيِّبَةٍ حُشِرَ مَعَ الْأَنْبِيَاءِ وَالصَّادِقِينَ وَ**

**الشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا)**؛ هر کسی سه تا کار بکنه روز قیامت با انبیا و شهدا محشور میشه اینها هم خوب رفیق های هستند آدم زمین نمیداره، اینها رفیق نیمه راه نیستند.

### **محشور شدن با انبیاء و شهدا**

فرمود: هر کسی سه تا کار بکنه **«مَنْ وَاسَا أَخَاهُ؛** کسی که به درد مردم برسه، بمال؛ با پولش، أو جَاه؛ با آبروش، أو کَلِمَةٍ طَيِّبَةٍ؛ با حرفش بار از دوش مردم برداره با پولش، با آبروش یا سخن زیبا، حالا من هر سه تا شو مثال می زنم براتون.

از زندگی امام حسن (علیه السلام) به کسی آمد خدمت ایشان عرض کرد آقا گرفتارم بدهکار بود آقا فرمود که من هزار درهم میتونم بهت کمک کنم هزار درهم خیلی پول بوده منتها تو منطقه شما یک ناصبی است ناصبی یعنی کسی که با امیرالمؤمنین (علیه السلام) مخالفه علی (علیه السلام) را قبول نداره، ناسزا میگه سب به امیرالمؤمنین (علیه السلام) می کنه یک کسی اونجاست تو دهات شما تو شهر شما داره جوان هارو منحرف می کنه داره مردم را به انحراف می کشه، من می تونم به حرفی یادت بدم بری اون با بارو محکومش کنی جلوشو بگیری دیگه منحرف نکنه کسی رو یا پول بهت بدم که بدهکاریت راه بیفته، کدوم هاشو میخوای؟ به خورده فکر کرد گفت: یابن رسول الله همون حرفو بهم یاد بدید برم جلوی انحراف فکری مردم را بگیرم حالا بدهی امو ان شاء الله خدا کمک می کنه آقا فرمود: پول هم بهت میدم می خواستم ببینم جوابت چیه؟ هم هزار درهم آقا بهش داد هم اون استدلال رو بهش یاد داد،

### اسلام دین نشاط و شادی

ببینید بمال او کلمه طیبه؛ گاهی اینطور داشت می رفت تو کوچه های مدینه دید چند تا جوان دارند با هم شوخی های زننده می کنند آقایون عزیزان اسلام دین نشاط دین شادی است با شوخی مخالفتی نداره خود رسول خدا می فرمود: أنا أُمزح؛ من اهل شوخی هستم اتفاقاً نگاه می کردم دیشب دیدم خود امام حسن (علیه السلام) یک کسی تو مدینه بودیم خیلی شوخ طبع بود امام حسن (علیه

السلام) خیلی دوشش داشت گاهی گاهی امام حسن (علیه السلام) سراغ اینو می گرفت می گفت فلانی کجاست؟ بهش بگید بیاد یه خورده با هم حرف بزنیم گپ بزنیم .

من در روایت دیدم یک کسی بود تو مدینه شوخ طبع گاهی امام حسن مجتبی (علیه السلام) می رفت سراغش که یک روز رفت آقا سراغش فرمود: حالت چطور گفت آقا نه خدا ازم راضی نه شیطون نه خودم آقا یه لبخندی زد فرمود: این چه جوابی میدی من میگم حالت چطور گفت آقا حالم همینه نه خدا، نه شیطون، نه خودم آقا فرمودند چرا؟ گفت خدا ازم راضی نیست چون خدا میگه اطاعت منو بکن گناه نکن منکه گوش نمیدم به حرفش شیطان ازم راضی نیست شیطان میگه بیا مرید محض من شو اصلاً نماز نخون مسجد نرو خب اونم گوش نمیدم حرفشو بالأخره مسجدمو میام نمازمو میخونم خودمم به خودم بدنم، جانم، نفسم به من میگه همیشه بمون پیر نشو از این دنیا نرو مریض نشو خب من نمیتونم که جوابشو بدم مریض میشم پیر میشم از دنیا میرم پس نه خودم نه خدا و نه شیطان امام یه لبخندی زد .

الان بعضی اوقات جلسات با بطالت میشه با لغو و بیهودگی میشه و إلا خود پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: أنا أمزح؛ من اهل شوخی ام اهل مزاح هستم و کتاب هایی دیدم نوشته شده جمع آوری کردند شادی ها شوخی های اهل بیت را اومد خدمت امام مجتبی (علیه السلام) یک کسی گفت آقا الان

فلان جا بودم یک کسی پشت سر شما حرف می زد آقایون میدان ندهید به اینجور افراد ائمه ما میدان نمی دادند آگه درستم باشه سخن چینی است آگه یک کلاغ چهل کلاغشم نکرده باشه اشتباه نشنیده باشه آخه .

یه وقتی یه کسی آمد پیش امام کاظم (علیه السلام) گفت: آقا یه جایی بودم فلانی که میگه شیعه شماست و پیرو شماست شما رو خیلی قبول داره تو یکی از جلسات امرهای بغداد اون امیر که مأمور هارون الرشید بود به این آقایایی که شیعه شماست گفت: تو موسی بن جعفر (علیهما السلام) را امام می دونی گفت: نه والله موسی بن جعفر (علیهما السلام) امام من نیست هارون الرشید امام من است اینو آمد برا امام کاظم (علیه السلام) نقل کرد آقا فرمودند که درست گفته حرف قشنگی زده منظورش این هست که امام دو جور داریم امام حق امام باطل قرآن می فرماید: امام نار داریم امام نور گفته والله موسی بن جعفر (علیهما السلام) امام من نیست یعنی امام باطل نیست گفته به خدا هارون الرشید امام منه یعنی امام باطل منه.

این بنده خدا اصلاً به ذهنش یه چنین حملی نمی رسید حرف مردم را باید حمل کرد بر صحیح.

اومد گفت یابن الرسول الله پیش امام حسن مجتبی (علیه السلام) الان یک کسی داشت پشت سر شما اینطور می گفت آقا فرمود: **القیتی فی تعب**؛ برام زحمت ایجاد کردی یه کاری درست کردی چه کاری؟ شما الان می خواهی جوابشو بدی

فرمود: نه الان باید بلند بشم هم برای اون طلب مغفرت کنم اگه همچین حرفی زده هم برای خودم طلب مغفرت کنم که تو اومدی پیش من سخن چینی کردی و من شنیدم ساستغفر لی و له؛ هم برای او طلب مغفرت دارم هم برای خودم اینه،

### خلق و خوی امام حسن (علیه السلام)

این حلم این بردباری است این مردم داری است اینکه اگر خُلق و خوی ائمه (علیهم السلام) در بین جامعه ما، خُلق و خوی امام حسن مجتبی (علیه السلام) در بین مردم ما پیاده بشه مثل این دعوای زناشویی بابا زنش تو خانه دشمنش بود تحملش می کرد تو روش وای می ایستادند می گفتند: «یا مذل المؤمنین»؛ تحمل می کرد، شمشیر زدند پای مبارکش رو مجروح کردند بارها این حلم و بردباری امام که از صفات الهی هست از صفات خدایی است یا حلیمًا لا یعجل؛ اینکه عرض می کنم به صلواتی عنایت بفرمائید.

من به روایتی است اینو بخوان دیگه بحث جمع کنم این روایتی که می خونم خوب گوش بدید اگه همه این ده - پانزده روز هم حرف های من از ذهنتون رفته این تو ذهنتون بماند.

فرمود: حلم و بردباری پنج جا خودشو نشون میده خیلی روایت قشنگی است در جلد ۶۸ بحار الأنوار، مرحوم مجلسی رضوان الله تعالی علیه روایت را آورده در اون اواخر این کتاب این جلد می فرماید: حلم و بردباری، الحلم یدور علی

خمسه اوجه: من فقط روایت می خونم شاید به توضیحش نرسم فرمود حلم و

بردباری ببینید الان شما همه حلیمید بردبارید نشستید کاری ندارید باید

سخنرانی تمام بشه پاشیم بریم آدم میره تو صف بانک میشینه حلیم نباشه چکار

کنه باید بشینه تا نوبتش بشه بگن شماره ۵۰ بیا آدم بره تو صف ناوایی غروب

ماه رمضان یه نان سنگک مثلاً بگیره باید نیم ساعت، بیست دقیقه تو صف

بایسته این حلم و بردباری اونجایی که مجبوری یا بیمارستان خوابیدی گفتند آقا

یک ماه باید بستری باشی حلیم نباشم چیکار کنم میتونم پاشم برم از رو تخت

اینجاهایی که من میگم جای حلم است دقت کنید یه حلم داریم اجباری بابا دو

سال افتاده زندان گوشه سلول شلوغ کنه میره انفرادی دو سالم باید تمام بشه

تو حلیم نباشی چه کنی اما اینایی که من میخونم حلم اختیاری است خوب دقت

کنید فرمود: **الحلم یدور علی خمسه اوجه؛ جای بردباری پنج جاست:**

### **جایگاه بردباری**

یک: **أن یکون عزیزاً فیذل**؛ یکی اینکه آدم عزیز باشه خوار بشه، تا دیروز می

گفتند: مرحبا، درود، امروز میگن مرگ، تا دیروز می گفتند عرض می کنم جاوید

امروز میگن مرگ تا دیروز مثل مسلم بن عقیل ۱۸۸ هزارتا آدم باهاش بیعت

کرده شب هشتم و نهم ذی الحجه تو کوچه های کوفه کسی حاضر نیست راهش

بده تو خونه آدم عزیز باشه رئیس بوده از کار برکنار شده رئیس جمهور بوده

اومده کنار مسئول بوده شخصیتی بوده به هر دلیلی حالا من عوامل ذلت نمیخوام

بگم به هر دلیلی اگر عزیزی ذلیل شد فرمود اینجا جای حلم است امام حسن مجتبی (علیه السلام) که وقتی اومد رو منبر صبح بیست و یکم جمعیت تو مسجد موج می زد، یکی از اونور بلند شد گفت: آقا در خدمتیم، یکی از این ور بلند شد اون قیس گفت: آقا شمشیرهای ما دیگه غلاف نمیشه، ابن عباس از اون طرف عبیدالله بن عباس از این طرف حالا تو کوچه های مدینه تنها وای می ایستند تو چهره اش بهش میگن «یا مذل المؤمنین» اینجا جای حلم است، آدم عزیز باشه ذلیل بشه.

دو: **آن یکون صادقاً فیتهم**؛ دومین جا اینه آدم راست بگه ازش قبول نکنن، به هر دلیلی، جوّ علیه اش، شایعه خیلی قوی است یه بنده خدایی می گفت منو دید گفت اِ پریروز گفتند شما مُردی ما فاتحه هم خوندیم عرض می کنم که خیلی هم قرآن خوندیم برات گفتم حالا که می بینی زنده ام گفت نه آقا اونکه گفت خیلی خبرش موثق بود اونکه می گفت من باور نمی کنم اونکه می گفت خیلی آدم مطمئنی بود، گفتم بابا من جلوت وایستادم دروغه دارم راه میرم گفت نه همیشه اونی که می گفت نمی تونست دروغ بگه، حالا آدم یه جایی بگه بابا اینه مطلب ازش قبول نکنن .

امام صادق (علیه السلام) نماز می خوند تو مسجد الحرام یا مسجد النبی شک از منه، پیرمرده خوابیده بود از خواب بلند شد دید کیسه اش نیست با رفقاش اومده بود رفقا رفتند کیسه رو هم با خودشون بردند گفتند این خواب هست

میان کیسه اشو می دزدند بلند شد اینور نگاه کن اونور نگاه کن کسی اینجا نیست رفت مچ امام صادق گرفت البته آقارو نمی شناخت گفت آقا هزار درهم تو همیان من بوده کسی غیر از شما اینجا نیست شما برداشتید، آقا فرمودند: من مشغول نماز کار به پول تو ندارم گفت نه آقا آخه گاهی هم آدم با یک افرادی مواجه میشه در روایت هم داریم که یکی از نشانه های عاقل اینه جهل مردم را تحمل کنه به کتش نمیره نمی گیره تو بالا بری پایین بیای این قبول نمی کنه آقا فرمود برید خونه پول بیارید بهش بدید رفتن هزار درهم آوردن تو یک کیسه فرمود: بیا این پولت، حتماً هم تو راه که با خودش می رفت می گفت بیا دیدی اگه بر نداشته بود که نمی داد لایدم با خودش تو راه گفته اینو دیگه من میگم وقتی رسید خانه، رفقا گفتن بیا این پولت گفت ا من چقد با این آقا تندی کردم، این آقا چقد بزرگواری کرد، صادقاً؛ آقا داره راس میگه فیتهم متهم به دزدی شدی وقتی اومد خدمت آقا آقا فرمودند که برو ما پول به کسی بدیم دیگه پس نمی گیریم اتفاق افتاده بود گاهی بعضی ها به امام به امام معصوم بدهی داشتند اشتباهی گفته بودند طلب داریم پول گرفتند بعد رفتند دفتر نگاه کردند دیدن بدهی خدمت امام برمی گشتند آقا می فرمود: برو هم بدهیتو بخشیدم هم این مال خودت پولی که از دست ما به کسی داده شد دیگه بر نمی گرده آقا فرمودند: برو همون هزار درهم مال خودت همینکه از ما گرفتی اینو میگن حلم شما باشی یه آدم موجه امام صادق فرزند رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم)

مظهر عبودیت داری نماز می خونی مچتو بگین بگن پول مارو تو برداشتی تو  
گوشش نمی زنی؟ دعوا نمی کنی؟ این حلم است فرمود: صادق باشی متهم بشی.  
سوم: **آن یدعو الی الحق فیستخف:** سومین جایی که جای حلم است شما مردم را  
به حق دعوت کنید خار بشمارنت تحقیرت کنند به حق دعوت کنید تحقیرت  
کنن من یادم نمیره تو همین شهر قم سی سال پیش از این ما دبیرستان می  
رفتیم توی دبیرستان حالا اون جوی که ساخته بودند دانش آموزان پای تخته به  
شهید بهشتی فحش می نوشتن، ناسزا می گفتن، یه دو روز اون زمان قوای قوه  
قضائیه خدا رحمت کنه مرحوم شهید قدوسی قطب زاده را گرفت زندانش کرد  
قطب زاده یه مصاحبه ای کرده بود تعریف کرده بود از انگلیسی ها یه توهینی  
هم کرده بود غیرمستقیم به امام تو همین شهر .  
من یادمه تظاهراتی که قطب زاده آزاده باید برگردد قدوسی فلان فلان باید  
چقدر فحش به مرحوم شهید بهشتی اونوقت اگه می رفتی حرف بزنی جواب  
گوش نمی کردن خار می شدی کسی جرأت نمی کرد اگه بهشتی شهید نشده  
بود این جو نمی شکست شهادتش این جو شکست شهادتش اینقدر جو در واقع  
که من یادمه هنوز یادمه که امام رضوان الله تعالی علیه اومده بالا دست تکون  
بده بعضی ها اون پایین علیه مرحوم شهید بهشتی شعار می دادند اینقد این مرد  
در مظلومیت واقع شد گاهی جو اینطور دعوت به حق می کنی خارت می کنند  
گوش نمیدن اینم گاهی حلم است.

چهارم: **آن یودی بلا جرم**: بدون جرم اذیتت کنن بگیرن شمارو بیرن زندان  
گفت من نبودم من نکشتم من خراب نکردم من آتش نزدَم من نگرفتم بزنت  
شاهد نداری فرمود اینجام جا حلمه که آدم به جرم نکرده کتک بخوره بعد  
روشن میشه بعد حق معلوم میشه ولی الانی که داره آزار می بینه از کوره در نره.  
پنجم: **آن یطالب بالحق فیخالفه**: حقش بخواد باهاش مخالفت کنه بگه بابا من به  
شما پول دادم میگن چه پولی بگه من خودم به شما این امانت دادم منکر بشن  
خیلی روایت قشنگه فرمود: **إن عطیت کل منها حقہ فقد عصبتہ**؛ عصبت با صاد  
اگر همه این پنج مورد عزیز ذلیل شد حق گفتی خوار شمردنت راس گفتی  
متهمت کردن بی جرم محاکمه ات کردن زدنت حق خواستی مخالفت کردند  
باهات اینجا جای حلم بردباری است که آدم بتواند خویشتن دار باشد این اون  
چیزی است که تو زندگی امام مجتبی (علیه السلام) برجسته بود و لذا شما  
ملاحظه بفرمائید یکی از صفات ارزشمندی که تو روایت داریم باعث سیادت  
باعث آقایی است باعث رشد همین صفت حلم و بردباری است که من خواستم  
یه مقداری امروز از زندگی امام حسن (علیه السلام) این محور مردم داری را و  
محور حلم را توضیح داده باشم که امیدوارم ان شاء الله در زندگی همه ما اینها  
نقش عملی داشته باشه فقط خوب نگیم و خوب بشنویم و بعد که از اینجا رفتیم  
بیرون تو ماشین تو تاکسی یه فحش شنیدیم ده تا فحش جواب بدیم نه ثمره  
این بحث این باشه یه ده درصد یه پنج درصد رتبه و درجه حلم ما تحمل ما اون

آستانه آستانه آسیب پذیری ما بیاد بالا ببینید ما بالا بریم پایین بیایم تو جامعه نمی تونیم همه مردم را مطابق میل خودمون قرار بدیم آدم تو خونه با بچه هاش مشکل داره گاهی حریف همیشه حرفش حقه جوان نوجوان تو خونه داره سرکشی می کنه شما می دانی حق باتوست همسرت، فرزندت، برادرت، پدر و مادر، بعضی ها گاهی مبتلا هستند میان پیش من میگه آقا پدرم مادرم پیرمرد نمیکشه بیش از این نمیداره من با همسرم زندگی کنم فلان مسئله را می آفرینه اگر انسان تو زندگی توانست این سلايق این گرایش ها این برخوردهای مختلف مدیریت کنه این همیشه حلم این همیشه بردباری مشکله ولی ممکنه ان شاء الله خداوند به همه امون توفیقشو عنایت بفرماید.

ان شاء الله خداوند از همه عزیزان، بانیان، شرکت کنندگان به أحسن وجه بپذیرد.

به عظمت امام مجتبی (علیه السلام) با ظهور امام زمان دل های ما را شاد بگردان  
خدایا چشم های ما به جمال امام زمان نورانی بگردان  
به مقربان درگاهت توفیق درک دولت و حکومت مهدوی را به ما نصیب بفرما.  
به عظمت امام مجتبی (علیه السلام) و فرزندانش جوان های ما را از بلیات از  
خطرات جسمی و روحی و فکری محفوظ بدار.

زمینه ازدواج، شغل، تحصیل و عاقبت بخیری اشون فراهم بفرما.

به مقربان درگاهت همه بیماران به کریم اهل بیت امام حسن خدای همه مریض

ها، مریض های منظور این جمع لباس عافیت بپوشان.

خدایا دل هایی که غم دارند هر غم و اندوهی درش هست این غم و اندوه را  
بر طرف بفرما.

خدایا سایه مراجع ما، اساتید ما، ذوالحقوق ما، مراجع عالی مقام قم، مرجع  
عالیقدر حضرت آیت الله عظمی صافی سایه رهبری عظیم الشان انقلاب بر سر ما  
مستدام بدار.

خدایا فیض و بشارتت را به روح شهدا، اموات، گذشتگان، اموات از این جمع،  
علمای گذشته، روح مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی که این مدرسه و این  
مکان به نام ایشان و آثار ایشان بحمدالله در این شهر می درخشه روح اون  
بزرگوار روح امام عزیز بنیان گذار جمهوری اسلامی روح مرحوم شهید بهشتی و  
شهدا عائد و واصل بفرما.

خدایا به مقربان در گاهت همه شهدا سر سفره کرامت اباعبدالله میهمان بگردان  
خداوندا به مقربان در گاهت قسمت میدم حیات و ممات ما را حیات و ممات اهل  
بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) و قرآن قرار بده.